تثبیت استصحاب در مقابل امارهٔ غیبوبت بعد الشفق در روایت ابن راشد به جهت میقاتیت و تعظیم شعار صوم

(27:54)

بنابراین اگر این فرض را گرفتیم، مقصود از روایت، متمحض در تعلیم استصحاب می‌شود. در اینکه شارع می‌خواهد بگوید ای متشرعه! نزن من صوم مهم است. چرا؟ چون در صوم دو چیز بسیار مهم هست. یکی، میقاتیت است. مسلمانان وقتی می‌گویند پانزدهم ماه مبارک است، باید همه یکی باشند. میقاتیت مهم است؛ «قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ»[1]. دوم، تعظیم شعار صوم است. اگر هر کسی هر روزی را بگیرد؛ یکی امروز را بگیرد و دیگری فردا، عید فطر را یکی امروز بگیرد و دیگری فردا، لذا عرفی است که رد تعظیم شعار صوم پایین می‌آید. درجهٔ آن تعظیم شعار صوم پایین می‌آید. لذا شارع استصحاب را به متشرعه یاد داده تا جلوی امارات ضعیفه ای که در مقابل این دو ایستاده را محکم بگیرد. حضرت فرمودند: «إذا رآه واحد[مأة] رآه ألف»[2]؛ یعنی حتی اگر در یک شهری مظن خلاف شد که برخی بگیرند و برخی نگیرند، حضرت فرمودند: نگیرید. یعنی این قدر استصحاب، دخالت محکمی دارد. الآن شارع در اینجا کاری به نفس الامر ندارد؛ بعداً می‌تواند قضا بشود. اما آن چه که الآن برای شارع اهمیت دارد و استصحاب را این قدر محکم کرده، همین است. مرحوم شیخ در رسائل فرمودند انصاف این است که ادلّهٔ دلیل بر استصحاب همین مکاتبه قاسانی است؛ [صُم للرؤیة، أفطر للرؤیة]. تنها دلیلی که استصحاب را نزد ذهنی مثل علامه انصاری، خوب می رساند همین است.

بنابراین مرحوم شیخ می‌فرمایند اگر شارع یک جایی استصحاب را خیلی محکم جلوه داده و گفته، همین روایتی است که برای ماه است. خب شارع این کار را کرده است. روشن هم هست. این روایت هم دارد آن را تعلیم می‌دهد. البته اگر بگوییم عراق در محدودهٔ باء بودند. یعنی در محدودهٔ الف آفریقا بوده، حجاز و عراق در محدودهٔ باء بوده‌اند. اگر این را بگوییم روایت متمحض در تعلیم استصحاب می‌شود.

شاگرد: قضا هم مفروغ نیست؟

استاد: قضا هم مفروغ نیست. چون کشف نشده است. شارع مقدس این همه متشرعه را به عمل به اصول عملیه و امارات امر کرده است. شبهه ابن قبه چه بود؟ با تمکن از تحصیل علم، شارع فرموده به اماره عمل کنید. ابن قبه میگفت این قبیح است. مکلف میتواند بهدنبال تحصیل علم برود، شارع میگوید نرو. واقع فوت میشود! این قبیح است. چه جوابی دادیم؟ هر جوابی آن جا دادیم تأیید عرض من است. بناء شریعت سمحه سهله بر ارجاع متشرعه به عمل به اصول عملیه بود. بله، وقتی کشف خلاف یقینی شد، نه گناهی است و نه استغفاری نیاز است، نه ضرورت شرع است. بله بعضی از جاها باید تدارک کنید. تدارک در بعضی از جاها هم که گذشته است. اصول همین است دیگر.

---

[1] البقره ۱۸۹

[2] وسائل الشيعة - ط الإسلامية نویسنده : الشيخ حرّ العاملي جلد : ۷ صفحه : ۲۰۹

بازبینی #2
ایجاد شده 8 ژانویه 2026 13:56:45 توسط ... .
به روزرسانی شده 8 ژانویه 2026 14:57:15 توسط ... .